



محدودیت‌ها «بیضایی» را از تاریخ نمی‌گیرند

یادداشت‌هایی به اشتیاق هفتاد و نهمین زادروز نویسنده و کارگردان مؤلف تئاتر

۱۴ زمستان ۸۷ بود که با اتمام امتحان‌های دانشگاه از اهواز آمدم تهران، به هوای جشنواره فیلم فجر؛ هدف غایی تماشای فیلم «وقتی همه خوابیم» بهرام بیضایی بود. تهران را بلند نبودم و بی‌توجه به راهنمایی‌های دوستی که آن یک هفته مهمانش بودم نقشه تهران و جدول برنامه‌ها را پیش روی می‌گذاشتم و دنبال باغ فردوس، موزه سینما می‌گشتم که می‌آید برسم و نوبت نمیشد. پیش از راه افتادن از اهواز، جویای سردی و گرمی هوای تهران شده بودم، می‌گفتند خنک شده و کوله‌ها را بپهلو سنجین نکن. نزدیک تهران که شدم هوا آفتابی بود که صدای دوست مذکور از پشت تلفن گفت: «شکوه داره برف میاد» با تعجب از پنجره اتوبوس بیرون نگاه کردم و گفتم: «اینجا که آفتابه». گفت: «میرداماد برفه». من سراسیمه خودم را آماده نبردی سخت کردم و هوا هم کم‌نگذاشت برآیم و آن دو، سه روز، کامل برف بارید...

جدول سی‌وسومین دوره مهمترین جشنواره موسیقی ایران منتشر شد

جدول بجای رفق جشنواره موسیقی فجر

۱۵ روایت فرزند «اکبر رادی» در دهمین سالروز درگذشت نمایشنامه‌نویس ایرانی ستایش شرافت انسانی

دیدگاه تحلیلی و نقادانه به مقوله رادی‌شناسی انگیزه‌های شد که در آستانه دهمین سالروز درگذشت او در حد توان به برخی شبهات در خصوص آن پاسخ دهم؛ هر چند که مجال بحث چنان گسترده است که کنکاشی همه‌جانبه می‌طلبد تا سوره‌های جامعه‌شناسانه، روان‌کاوانه و ریشه‌های آن بررسی شود. در سالیان اخیر این افادات و معلولت‌های جنه‌ای فراگیر به خود گرفته است و بیم آن می‌رود تا در روایات و مکاتبات و حافظه تاریخ تئاتر ایران نهادینه شود. تأسفیب‌تر آنکه بعضی آستان‌چین مجعولاتی را به‌طور کلیشه‌ای و مدام به بچه‌های جوان دانشکده‌ها دیکته که نه، حخته می‌کنند اکنون من در باب شماری از این دگرنمایی‌ها و کژانگاره‌ها، آگاهی بخشی می‌کنم؛ به این امید که آیشخور ایاطلی از این دست بخش‌ها، برای رسایی و شیوایی متن، نخست آلاپه‌ها و گزاره‌ها را با آموزده‌مورد در گیومه می‌آورم و بر پی آن اطلاعات پالوده و پیراسته را ذکر می‌کنم. «رادی از دهه ۱۳۴۰ به نوشتن پرداخت. رادی از ۱۳۳۴ به نویسندگی روی آورد و اولین داستان کوتاه‌های او با نام «موش مُرده» در روزنامه کیهان سال ۱۳۳۵ چاپ و منتشر شد. او از ۱۳۳۸ به نوشتن بیشتر وقت خود را به نمایشنامه‌نویسی اختصاص داد.

«رادی نمایشنامه‌نویسی پونه‌یاد است و اغلب آثارش در اقلیم گیلان روی می‌دهد». کمتر از یک‌سوم نمایشنامه‌های رادی (روزنه آبی، افول، مرگ در پاییز، صیادان، در مه بخوان، پلکان و ملودی شهر بارانی) در جغرافیای گیلان می‌گذرد و بقیه آثارش (از پشت شیشه‌ها، آریه ایرانی، لیخند باشکوه آقای گیل، هاملت با سالا فصل، منچی در صبح نمتاک، آهسته با گل سرخ، شب روی سنگفرش خیس، تلگویی تخم‌مرغ داغ، آمیز قلم‌دون، باغ شب‌نمای ما، پاپین گذر سخا، خاتمه‌چ و مهتابی، شب‌بخیر جناب کنت، کاکتوس و آهنگ‌های شکلاتی) در تهران یا لامکان رخ می‌دهد.

«رادی را باید صرفاً نمایشنامه‌نویس انگاشت. رادی در حوزه داستان هم قلم‌نویس کرد (مجموعه داستان‌ها، علاوه بر آن در زمینه نام‌نگاری ادبی نیز یدپولایی داشت. «نامه‌های هفت‌په‌ری» و نیز ۷۳ نامه به ناموران عرضه شد که در کتاب دیگری با عنوان «نامه‌های اکبر رادی» ارائه شده است). مقالات و نقدهای ادبی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، هم‌ا از نوشتار وی بی‌نصیب نماند (دستی از دور، بشتو از نی/امکانات، انسان ریخته، همچنین پژوهش‌هایی در خصوص آخوندزاده، هدایت و نسب‌نمایی بقال‌سازی در حضور آنجام داد.

«رونمایه اغلب آثار رادی تنگ‌دستی و بی‌عدالتی است». مضمون تمامی نمایشنامه‌های رادی، ستایش شرافت انسانی و شایسته‌سالاری است. «رادی همچون اغلب روشنفکران چپ بود». رادی تنها به وجدان و عدالت (به‌معنای شایسته‌سالاری و نه برابری) باور داشت و حتی در هنگامه جولان احزاب چپ هم تمایلی به آنها نداشت و به تبع این رویکرد، زمان و انرژی بیشتری به کارش اختصاص داد.

«کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مهم‌ترین تأثیر را بر نمایشنامه‌نویسی رادی بر جای نهاد». ورکشستی پدر و مهاجرت به پایتخت در آستانه نوجوانی و افول چشمگیر در آسایش خانواده و سپس تحصیل در دبیرستان فرنگی رازی و مواجهه با ناسازگاری‌ها و جایگشت معیارها، بیشترین تأثیر را بر نویسندگی او بر جای گذارد.

«کارگردانان نمایشنامه‌های رادی، اجازه کوچک‌ترین تغییری در اجرای آثار وی نداشتند». رادی هرگونه خلاقیت و نوآوری را که به بهبود اجرا می‌انجامید، بلکه ضروری می‌انگاشت، ولی از تغییراتی که جنبه باربری به هر جهت داشت، و یگردان بود، از اینکه کارگردانی «به‌نگاه» -وی را در عمل انجام‌شده قرار دهد، سخت آزاده می‌شد. «بارترین وجه آثار رادی، زبان است». حال، هوای ویژه، ریتم، شمایل‌شناسی، چالش هویت و روان‌کاوی شخصیت‌ها به اندازه زبان در آثار رادی اهمیت دارد.

«بیشتر نمایشنامه‌های رادی به سبب طولانی بودن، برای اجرا در عصر حاضر نامناسب هستند». با دستیابی به ساز و کارها و ابزارهای جدیدی مثل



معرفی نامزدهای بخش نقد ادبی جایزه جلال آل احمد

هیأت داوران و ۵ نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی داور بخش نقد ادبی دهمین دوره جایزه جلال آل احمد معرفی شدند. اسامی هیأت داوران و ۵ نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی داور بخش نقد ادبی دهمین دوره جایزه جلال آل احمد اعلام شد. «داود عمارتی نیک‌مقدم»، برای کتاب «بلاغت از آتن تا مدینه»، از انتشارات هرمس. «محمود نیک‌بخش» برای کتاب «طوبقای بوف کور» انتشارات گمان. «حسین صافی پیرلوجه» برای کتاب «در آمدی بر تحلیل انتقادی گفت‌واری» انتشارات نی. «عسگر عسگری حسنگلو» و «کارولینا آکوویسکا عسگری» برای کتاب «صدای زمانه» انتشارات اختران. «سیدمهدی زرقاتی» و «محمودرضا قربان‌صباغ»، برای نگارش کتاب «قطره‌ها و زائر» انتشارات هرمس. این پنج اثر به داور «سرور مولایی»، «امیرعلی نجومیان»، «علیرضایکویی»، «سیدمهدی شود. سرور مولایی، امیرعلی نجومیان و علیرضا نیکویی داور بخش نقد ادبی دهمین دوره جایزه جلال آل احمد را به عهده داشته‌اند.

انتشار چهل رباعی تاخرقان

آلبوم «چهل رباعی تاخرقان» با سروده‌ها و خوانش «امیرحسین الهیاری» شاعر برجسته کشورمان در براساس روایت‌ها، گفته‌ها و اندیشه‌های «شیخ ابوالحسن خرقانی» با موسیقی «کیاوش صاحب نسق» منتشر شد. به گفته امیرحسین الهیاری مولف این آلبوم، میراث صوفیان، بیش از هر چیز میراثی «بابا» است و اتفاق پایسته و مبارکی است که در ساحت زبان افتاده است؛ اتفاقی که به نوعی شاید تأویل شاعرانه آن باشد.

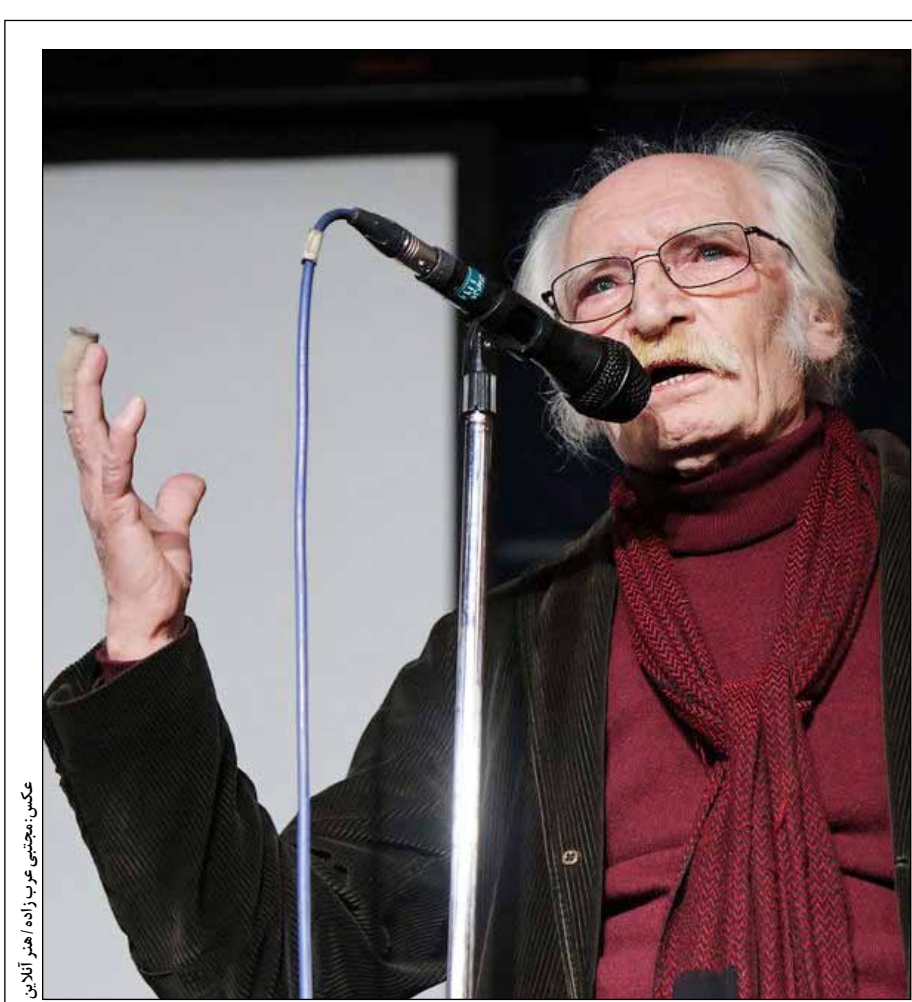


تنیک‌نوازی یک ایرانی در فستیوال هند

فخرالدین غفاری، نوازنده تنبک در نودوسومین سال فستیوال «تانسین ساماروج» در شهر «گوایر» هندوستان به اجرای تکنوازی روی «دوار هندی» و همراه «پهرا» پرداخت. در این کنسرت، «مردا علی خان»، یکی از نوازنده‌های جوان و شناخته شده ساز «سارنگی»، «آلوانا لانی» نوازنده ویولون سل از آمریکا و «کتیازا ریستا» نوازنده کنترا باس» از کشور روسیه نیز در کنار فخرالدین غفاری (سینا) از شهر بیجار به نوازندگی پرداختند. غفاری تاکنون سابقه اجرای موسیقی در فستیوال‌های هندوستان، کشورهای آفریقای جنوبی و فرانسه را در کارنامه خود دارد و تاکنون چند اثر را در زمینه موسیقی فارسی به انگلیسی و از انگلیسی به فارسی، ترجمه کرده است.

ضرورت اصلاح اساسنامه انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز

بعد از گذشت حدود ۲۰ سال که از تدوین اساسنامه انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران می‌گذرد، تصمیم‌گیری جهت اصلاح و به‌روزرسانی اساسنامه می‌تواند با مشارکت اعضای انجمن به رشد کیفی و کمی این تشکر کمک‌کننده مسير اتخاذ تصمیمات بنیادین، کار ساز و تأثیرگذار توسط ارکان انجمن را فراهم سازد. به‌گزارش روابط عمومی انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران: روح‌الله شمسی‌زاده دبیر انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران درباره ضرورت اصلاح اساسنامه انجمن عنوان کرد: انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران یکی از انجمن‌های فعال و مهم در حوزه تجسمی به شمار می‌رود که به‌دلیل برخی محدودیت‌هایی که در اساسنامه آن وجود دارد، هیأت مدیره‌های آن در دوره‌های مدیریتی مختلف همواره به محدودیت‌هایی برای اجرای کردن برنامه‌هایش روبه‌رو بوده‌اند که بخشی از رفع این مشکلات منوط به تشکیل مجمع فوق‌العاده و تصمیم‌گیری با حضور اکثریت‌عضیات کالبته‌این مهم در طول این سالیان اتفاق نیفتاده است.



در مراسم اولین دوره جایزه احمد محمود چه گذشت محمود دولت‌آبادی: شما تقویم هستیید و ما تاریخ

با ایمن‌اعلام می‌کنند که برگزار کنندگان جایزه جلال به قدری سرشان شلوغ است که وقت پرداختن به این مسائل را ندارند. بعد هم می‌گویند برخی از دوستان جامعه ادبی تخصص درست کردن جایزه یک‌ساله دارند، اینکه یک جایزه را از ابتدای و بعد از یک دوره آن را تعطیل کنند و هوار بکشند که ای مردم جایزه ما را به دلیل مسائل خاص تعطیل کردند. کسی از او نمی‌پرسد که این جایزه‌های یک‌ساله را چه کسانی تعطیل می‌کنند و به چه دلایلی.

غروب ۴ دی ماه است. همه آمده‌اند و کلمات زیر سایه احمد محمود متولد می‌شوند. لیلی گلستان از ماجرای گفت‌وگوهایش با احمد محمود حرف می‌زند، گفت‌وگوها به قدری که کتابی به نام «حکایت حال» منتشر شد. او از تعهد، سعادت و نجات احمد محمود می‌گوید و از نگاهش به سانسور: «هیچ وقت خودم را سانسور نمی‌کنم، می‌نویسم و به دست کسی می‌دهم که باید سانسور کند. تا جایی هم که بتوانم سعی می‌کنم آثار کمتر سانسور شود». احمد محمود به او گفته است که موقع نوشتن اصلاً به مخاطب فکر نمی‌کنند، فقط به خودش فکر می‌کنند و به اینکه از آنچه نوشته‌اند رضای است یا نه.

بعد از ابراهیم حقیقی روی سن آمد که همکارش اش با احمد محمود باطراحی جلد کتاب «همسایه‌ها» آغاز شده بود، کتابی که می‌گوید همواره آن را از افتخارات کاری‌اش می‌داند. او گفت: «احمد محمود پیش از آنکه زمان نویس بزرگی باشد انسان بزرگ و بسیار شریفی بود، معتقد بهترین زمان‌ها در باره جنگ را احمد محمود نوشته است زیرا در هنگامه جنگ نوشته شده‌اند» در این مراسم خانواده احمد محمود هم حضور داشتند. بابک اعطا از خاطرات پدرش گفت: پدری که می‌گفت اگر من یک روز نتوانم بنویسم می‌میرم و سارک کرامت‌آبادی، با آن شال گردن قرمز و قدم‌های اما وقتی محمود دولت‌آبادی، با آن شال گردن قرمز و قدم‌های مصمم، مثل آخرین بازمانده نسلی که نویسنده‌هایش در شکل و صورت هم کارزمای یک نویسنده داشتند، روی سن می‌رود و درباره رفیق قدیمی‌اش، احمد محمود حرف می‌زند، سالن جان می‌گیرد و تکان می‌خورد. می‌گوید وقتی زمان «همسایه‌ها» احمد محمود منتشر شد، در جایی نوشتم تولد چنین اثری در ادبیات ایران خجسته‌ست، با، هنوز هم این را می‌گویم. او به دوران دوستی‌اش با محمود و ابراهیم یونسسی اشاره کرد. به اینکه اهمیت احمد محمود مقدم بر ادبیاتش بود، از خودبودگی او که نویسنده جدی به آن می‌سد؛ بی‌نیازی‌اش از دریافت‌های ملبازاهای اجتماعی، رفاقت و سادگی‌اش، قناعت و بزرگواری‌اش و رفتارش با دوستان و نزدیکانش.



پنجمین جشن نوشتار سینمایی ایران با یاد عباس کیارستمی برگزار شد امید به درخشش نسل جدید

سیر و سولون: می‌توان با دهنمکی هم مصاحبه کرد

جامعه فردا: پنجمین جشن نوشتار سینمایی ایران با یاد عباس کیارستمی و با حضور چهاره‌هایی چون بهمن فرمان‌آرا، علیرضا رئیسیان، هوشنگ گل‌مکانی، سیر و سولون، حبیب اسماعیلی، غلامرضا موسوی، حبیب رضایی، کیومرث پورا احمد، کامیوزیا پرتوی، سرور صحت، محمد علی سجادی و کامران ملکی برگزار شد. ضمن اعلام برگزیدگان نوشتار سینمایی از عبدالله تربیت و مسعود مهرایی تجلیل شد.

در ابتدای مراسم اصغر نجمی، دبیر جشن با ابراز تأسف از کاهش سرنانه مطالعه در کشور و مشکلات مالی به سرنانه گفت: شما چند رسانه را می‌شناسید که به دلیل مشکلات مالی تعطیل شده‌اند یا در مصر حایمان قدرتمند، استقلال خود را فدا کرده‌اند؟ من به سهم خود این نگرانی را ابراز می‌کنم و امیدوارم جریان سالم نقد و انتقاد جریان غالب شود. همانطور که در بررسی‌های این دوره صدای نسل جدیدی از نویسندگان شنیده شد که می‌توانند مایه اعتبار این جشن باشند.

سپس جواد طوسی، رئیس انجمن منتقدان به نمایندگی از شورای مرکزی انجمن منتقدان این اشاره به برگزاری مجمع آتی انجمن گفت: این جشن نسبت بیشتری با انجمن منتقدان در جهت شناسایی هرچه بهتر منتقدان دارد که به هر علتی در موقعیتی مهجور مانده‌اند و رابطه بین نویسنده و قیلمسازان است.